

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## مبارزه با تهدیدهای قبلی و تصفیة حساب با پیامدهای بحران کنونی عجز فکری و فقر ساختار ایدئولوژیک را نباید دست کم گرفت فتوای مذهبی بمثابة بنیاد مدیرتی و اقتصادی کشور

تبدیل شدن کشور به صحنه تنازع هویت‌ها  
اصول و اساسات دست و پاگیر "شریعت"  
دلک اسباب بازی ایالات متحده  
جزم‌نگری و استبداد رأی

میتوان بحران را اینچنین تعریف نمود: بحران یک وضعیت در سازه‌های سازمان و یا نظم کلی سیستم را برهم می‌زند. مدیریت بحران چیست؟ هر سازمانی در برابر بحران آسیب پذیر می‌باشد. آگاهی و آمادگی بمنظور پیشگیری از بحران، نقش مهمی در حداقل رساندن اثرات و تلفات آن دارد. مدیریت بحران شامل شناختن سبب و وضعیت اضطراری یا بحران، برنامه ریزی واکنش و مقابله و سعی هر یک از آنها بمنظور از سرگیری عملیات عادی است. همه اختلالات نباید منجر به یک وضعیت بحرانی شوند. در واقع، بیشتر آنها با رویه‌های عملیاتی موجود مدیریت میشوند. یک طرح اضطراری قوی و فرآیند ارزیابی ریسک، بمقابله با اکثریت بزرگی از اختلالات کمک می‌کند. هدف در مدیریت شرایط اضطراری و بحران در اطمینان از هماهنگی تلاش‌های مجموعه، با در نظر گرفتن حداکثر ظرفیت‌های فنی و مالی، انسانی و غیرمالی، همراه با استفاده از برنام‌های هدفمند و فعالیت‌های مختلفی که قبل و یا پس از بحران طرازی شده است، میباشد. می‌توان مدیریت بحران را همچون یک فرآیند کاملن نظام یافته معرفی نمود که در امتداد این فرآیند تمام تلاش سازمان مبنی بر شناسایی و پیشگیری از بحران‌ها می‌باشد.

در نیشته حاضر، بررسی چگونگی اوضاع اجتماعی - سیاسی کشور را، بویژه پس از بقدرت رسیدن دوباره "طالب"ها از اینجا آغاز می‌نماییم که با فراز آمدن مجدد آنها و تسلط شان بر اراضی کشور، با استقرار و برپایی نظام منحصر بفرد خویش در تکاپو شدند، اما تاکنون هم، قادر به کسب مشروعیت بین المللی نگردیده و هیچ کشوری از جامعه جهانی، حاکمیت آنها را برسمیت نشناخته، حساب دارایی‌های بانک مرکزی کشور در بانک‌های خارجی توقیف گردیده، در سراسر کشور بحران عمیق بشری بیداد نموده و شهروندان کشور با معضل بحران اقتصادی - اجتماعی دست و پنجه نرم مینمایند. در چنین زمینه‌ای، جنب و جوش و تأثیرپذیری گروه‌های تروریستی محلی نیز عملن بمشاهده میرسد. تحلیل و تجزیه اوضاع کنونی موجود در داخل کشور، بازگویی سرائت و انتقال تهدیدات احتمالی بکشورهای همجوار نیز محسوب میگردد. در این مقطع چندان بيمورد نخواهد بود تا درباره شگاف و موجودیت انشعاب در اردوگاه "طالب"ها یاددهانی بعمل آید که بویژه پس از برگشت مجدد "طالب"ها بقدرت، رهبری جدید تاحدودی، بویژه در عرصه ایجاد و شکل گیری حاکمیت همه شمول، احترام بحقوق بانوان و منافع اقلیت‌های ملی و ایجاد ریفورم در عرصه تعلیم و تربیه در کشور، وفاداری شان را ابراز نمودند، اما با وجود اینهمه، چنانچه گذشت زمان باثبات رساند، بسا از وعده‌های داده

شده، در محدوده فرمانها و اعلامیه هاباقی مانده و از اجرائی شدن آنها خبری در میان نمی باشد. همچنان بایست خاطر نشان گردد کاصلن پروسه ایجاد و تشکیل "امارت اسلامی افغانستان" نیز با معضلات و چالشهای جدی داخلی و خارجی مواجه گردید. در شرایط و وضعیت کنونی، "طالب" ها عملن بر تمامی اراضی متعلق بکشور تسلط داشته و بمفهوم خاص کلمه، به تحکیم قدرت شان در کلیه عرصه ها تلاش می ورزند. قوت های پارچه پارچه شده ضد "طالب"، در وضعیت و شرایط حاضر قادر بنداوم مبارزه با قوتهای دولتی نبوده و از مؤثریت لازم بروضعیت و اوضاع عمومی کشور نیز برخوردار نمی باشند.

اما در مورد موجودیت چالشهای کنونی در قبال "طالب" ها از جمله میتوان از فقدانگیر شهر و ندان، موجودیت معضلات اجتماعی - اقتصادی کشور، عدم دسترسی ب سرمایه های توقیف شده در بانک های خارجی و همچنان وسعت و گسترش روز افزون تاثیر گذاری دسته بندی های بین المللی تروریستی در افغانستان نامبرد.

کارشناسان مرکز علمی و تحقیقاتی خاور میانه معتقدند که بادر نظر داشت اوضاع منطقه و چگونگی سیرو قایع و تکوین حوادث اتفاقیه کنونی در افغانستان امروز، اصل نبود ثبات و عدم استقرار، بگونه خزنده ای در حال شکل گیری میباشد. مسأله فوق قبل از همه با مشخصات تقسیم قدرت و ویژگی های اختیارات مقامات ارتباط مستقیم دارد. باین ترتیب، هیبت الله آخوندزاده که بمثابه رهبر "طالب" ها و امیر "امارت اسلامی افغانستان" اعلام شده است، هنوز تاکنون چهره ناشناخته بوده و همچنان کارکرد سیاسی وی نیز نامشخص می باشد. کارشناسان امور مربوط بکشور ما مدعی اند که تاکنون اصلن، هیچ فردی، شخص نامبرده را بآنها و سایر شهروندان افغانستان نشان نداده اند. آنها چنین ادعا می ورزند کاکر شخصی، سمت رهبری را بر عهده داشته باشد، به یقین کامل کاز نسل قدیمی "طالب" ها نمایندگی می نماید. اما این مسأله نیز قابل یاددهانی پنداشته می شود که بیشترین اثر گذاری و مؤثریت لازم در مورد، بر عهده آنده از کار گزارانی می باشد که مقام هایی را در "امارت اسلامی افغانستان" بخود اختصاص داده اند. اما در مجموع، آنها هر کدام، در مورد تدوین مشخصات سیاست خارجی و داخلی، رویکردهای مجرد و جدا جدا از هم داشته که بنوبه خویش، سبب تشدید اختلافات شده و ضد و نقیض گویی های داخلی "طالب" ها را بیش از پیش تشدید خواهد نمود.

در وضعیت و شرایط حاضر، بیش از سایر موارد، درباره انشعاب درونی دو گروه نخبگان "طالب" ها، سخن هایی در میان می باشد، باین مفهوم که میان نسل نو "طالب" ها و نسل قدیمی آنها که در نخستین دوران حاکمیت "طالب" ها در کشور در مناسب دولتی قرار داشتند، تضادهایی موجود می باشد. در این مورد می توان از ملا محمد یعقوب پسر ملا محمد عمر که سرپرستی وزارت دفاع "طالب" ها را عهده دار می باشد، سراج الدین حقانی رهبر شبکه حقانی که بمثابه وزیر امور داخله گماشته شده و همچنان از ملا عبدالغنی برادر معاون رئیس الوزرا نامبرد. همچنان پیشبینی هایی در مورد بحران در مجموعه "طالب" ها و انشعاب در صفوف جنگجویان و رهبران آنها نیز سرزبانها میباشد که تداوم چنین وضعیت منجر به کودتا و رویارویی های مسلحانه خواهد گردید. وضعیت اینچنینی، بیش از پیش سبب وسعت تأثیر گذاری و رشد روز افزون شاخه های محلی "دولت اسلامی" (داعش) که مورد حمایت گروه ها و حلقات موجود در خارج از قلمرو کشور ما قرار گرفته، از جانب تروریست ها مورد حمایت ها قرار داده شده و در عین زمان، حمایت ها و همدردی های باشنده های محل را نیز ممکن سبب گردد. اما فهرست بلند بالای تهدیدها، همچنان بشکل قبلی موجود میباشد که از جمله می توان سرایت و انتقال بی ثباتی از اراضی تحت تسلط "طالب" ها بکشورهای همجوار و منطقه، بویژه تحرکات تروریستی، صدور ایده بنیادگرایی مذهبی، تولید و قاچاق مواد مخدر، مهاجرت های غیرقانونی و سرزیر شدن سیل مهاجران را نامبرد، همچنان چگونگی اوضاع در داخل کشور، نحوه تحرکات تروریستی و سلسله عوامل دیگر در منطقه، در درازمدت نیز می تواند بمثابه تهدید های جدی پنداشته شود.

در اوضاع کنونی، "طالب" ها با کسب تجارب، بیشتر از هر زمان دیگر در صدد تحکیم حاکمیت در کشور بوده که در این زمینه با طرز تفکر "داعش" در تقابل قرار گرفته و نمی توانند با "دولت اسلامی" در موارد ذکر شده به توافق نایل گردند، چه، "داعش" از ایده انقلاب متداوم جانبداری نموده، در حالی که "طالب" ها خواهان استقرار نظم و ثبات در کشور می باشند. بعقیده برخی ها، نحوه عملکرد نسبتن آزاد تروریست های بین المللی در سرزمین افغانستان، موجودیت خطر و تهدید نفوذ شبه نظامیان و عوامل آنها را بکشورهای پسا شوروی، همچنان حفظ می نماید.

همچنان در میان "طالب" ها نمایندگانی از کشورهای آسیای مرکزی موجودند که میتوانند براحتی در سرزمین قومی خویش ادغام گردند. اما قابل یاددهانی پنداشته میشود که برخی ها "طالب" را نیمه سیکولار پنداشته و اما "دولت اسلامی" در نوع خود و ماهیتن، سازمان و دسته بندی مذهبی شمرده شده و میتواند کشورهای آسیای مرکزی و بویژه ازبکستان و قزاقستان را تحت پوشش ایدئولوژیک خویش قرار دهد که طبعن در نوع خود، خطرناک می باشد. بر بنیاد بررسی

های کارشناسان، نه تنها خطر نفوذ عوامل "دولت اسلامی" (داعش)، در وجود "دولت خراسان"، بلکه تهدید هایی از جانب گروه بندی هایی چون "جنبش اسلامی ترکستان"، "جنبش اسلامی ازبکستان" و گروه "جماعت انصارالله" نیز عملن موجود می باشد.

می توان با صراحت اظهار نمود کامکان موجودیت و تکوین همه سناریوها نیز متصور می باشد. درباره انکشاف اوضاع در کشور عزیز ما پیشبینی هایی بعمل آمده و به فاکتورهای عمده و کلیدی در زمینه اشاره شده، بگونه نمونه تضادها و تناقضات روبا افزایش میان "طالب" های میانه روهلقات بنیادگرای آنها، چگونگی اوضاع اجتماعی - اقتصادی و رویکرد های حاکمیت در مورد چگونگی ونحوه اعمار کشور که نباید بهمه آنها کم بها داد. بخاطر باید داشت که وضعیت و چگونگی اوضاع در مجموعه نخبگان حاکم کشور نیز نامشخص می باشد. از آنجایی که تضادها و ضد و نقیض گویی های جدی موجود می تواند اثرات مخربی بروضعیت بجا گذاشته و سبب بی ثباتی بیشتر در کشور گردد. پرسش دیگری که پیش از همه اسباب نگرانی هایی را فراهم می نماید، از جمله یکی هم چگونگی وضعیت اجتماعی و بشردوستانه در داخل کشور می باشد، چه، روزتا روز وضعیت یاد شده بوخامت گراییده و شهروندان کشور فقیر و فقیرتر می گردند. وضعیت اینچنینی، موج هایی از مهاجرت را نیز تحریک خواهد نمود.

در مجموع، طرح های موجود در مورد مناسبات وهمکاری های تدارکاتی و لوژیستیکی میان آسیای مرکزی و جنوب آسیا کانتفال آن از طریق کشور ما صورت می گیرد، نیز از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. در نتیجه بهر اندازه ومعیاری که حاکمیت کنونی "طالب" ها در زمینه ذینفع گردند، بهمان معیار در تأمین امنیت و حفظ ثبات در کشور مؤثر واقع خواهند گردید. اصل پاسخگویی به پرسش های فوق که در قبال اوضاع موجود کشور از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. اما بسا موارد بگونه بلاواسطه ایی به حاکمیت کنونی "طالب" در کشور ارتباط دارد.

البته فراموش نشود که موجودیت سناریوهای منفی و غیر قابل قبولی را در زمینه نیز نمی توان منتفی پنداشت. عمده ترین مسأله قابل تأمل در این مورد، یکی هم اینکه حاکمیت "طالب" ها در کشور ما اصلن بر بنیاد ساختار عصری حکومتداری بنا نگریده و از همینجاست که در اقدامات و عملکردهایش بنحوی از انحاء، بویژه در ضدیت و تضاد با طبقه متوسط و عمدتن علیه شهروندان تحصیل کرده کشور قرار می گیرد، با آنهایی که بمتابه سرمایه معنوی کشور پنداشته شده و بیشترین بخش های آنها هم بادر نظر داشت وضعیت اینچنینی، کشور را ترک نموده و یا در صدد فرار بخارج از محدوده کشور می باشند. اما زمانی که در مورد آینده کشور می اندیشیم، بموضوع فوق بایست بگونه جدی توجه خویش را معطوف نمود. بخاطر باید داشت که عمار جامعه پس از درگیری، چون افغانستان بدون معاونت و کمک های جامعه جهانی (بویژه کشورهای همجوار)، اصلن غیر ممکن بنظر می رسد.

از کمک ها و معاونت های بین المللی می توان بمتابه یک فرصت در کشور استفاده نمود. چه ادامه کار آنها بر بنیاد مشارکت حاکمیت های محلی، مستلزم تماس های دوجانبه و چندجانبه، ایجاد بسترهایی بمنظور گفتگوهای دایمی و فراگیر، ارائه کمک ها و انجام مساعدت های بشردوستانه می باشد. اما نباید فراموش خاطر ما شود که نشست های دوجانبه در مورد کشور عزیز ما افغانستان از اهمیت ویژه ایی برخوردار می باشد. موضوع فوق بیش از همه و قبل از سایر موارد به کشورهای همجوار افغانستان مرتبط پنداشته می شود، باین دلیل که در مذاکرات چند جانبه، بحث های مفصل و همه جانبه در مورد مسایل مطرح و معضلات مورد بحث، آنها بگونه مشخص، همیشه متصور نبوده و امکان ناپذیر پنداشته می شود. از آنجایی که حرف و حدیث درباره برآورده نمودن الزامات بین المللی مطرح می باشد، به یقین که نشست های چند جانبه، از بسیاری جهات مفید و مؤثر پنداشته می شود، اما زمانی که از برداشتن گام های مشخص و عمده سخن در میان است، در چنین موقعیتی، مذاکرات وملاقات های دوجانبه از مؤثریت بیشتری برخوردار می باشد. بگفته بسیاری ها، در دورنما و پس منظر، سایر همکاری ها با حاکمیت کنونی "طالب" ها، قبل از همه حول طرح هایی بمنظور ارائه کمک ها و معاونت های بشردوستانه، رشد و انکشاف تجارت و تأمین غذا و انرژی مورد ضرورت خواهد چرخید. اما در مورد ایجاد زیرساخت های عمده و عملی نمودن طرح هایی در مورد و یا شرکت وسهمگیری "طالب" ها در گردهمایی های بین المللی، اصلن نمی توان سخنی بمیان آورد. بر بنیاد ارزیابی های فوق، می توان چنین نتیجه گرفت که در شرایط و وضعیت کنونی، ارزیابی عینی فرآیند های سیاسی واجتماعی - اقتصادی در کشور ما و همچنان اتخاذ تدابیر هماهنگ شده و مؤثر، آنها توسط یک میانحی بین المللی در صدر اهمیت قرار می گیرد. در عین زمان، ضرورت سهمگیری و مشارکت حاکمیت کنونی "طالب" ها در دیالوگی بمنظور پایه گذاری ساختار دولت مدرن و بهتر شدن اوضاع اجتماعی - اقتصادی کشور از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد.

شنبه ۱۶ ماه ثور سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۶ ماه می سال ۲۰۲۳ ترسای